

مریم رجوی: سرنگونی رژیم آخوندی حتمی و در دسترس است ۲۵ آذر ۱۳۹۶

سخنرانی در کنفرانس «رژیم آخوندی در محاصره بحران‌ها»

پاریس - ۲۵ آذر ۱۳۹۶

حضار محترم،

دوستان گرامی،

به همه شما درود می‌فرستم. و بسیار سپاسگزارم از دوستانی که از فرانسه، آمریکا، کانادا، اروپا و کشورهای عربی برای همبستگی با مقاومت ایران برای آزادی و دموکراسی در این‌جا حضور یافته‌اند. در این‌جا گرد آمده‌ایم که بازهم صدای مردم به‌ستوه آمده ایران را به گوش دنیا برسانیم. گردآمده‌ایم که بگوییم مردم و مقاومت ایران برای سرنگونی استبداد مذهبی آماده‌اند و می‌خواهند جامعه‌یی بر اساس آزادی، برابری و دموکراسی برپا کنند.

مردم ایران خواستار آن‌اند که حقوق بشر سرکوب‌شده و به‌دارآویخته ایران زنده و شکوفا شود. هفته پیش سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بود و به همین مناسبت شما و بسیاری دیگر از هموطنان در سوز و سرما ولی با شور و گرما، در پاریس تظاهرات بزرگی برپا کردید تا پژواک حقوق بشر پایمال شده مردم ایران باشید. ما اکنون در شروع هفتادمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر هستیم. تا آن‌جا که به ایران برمی‌گردد، استبداد مذهبی حاکمیت خود را با نابودی یک به یک مواد این بیانیه و نفی حقوق انسانی مردم ایران شکل داده است. در نقطه مقابل، مردم و مقاومت ایران، جنبش خود را در مبارزه برای آزادی و حقوق بشر دوام بخشیده‌اند و در دو سال اخیر با گسترش جنبش دادخواهی قتل‌عام شدگان سال ۶۷ قاتلان حاکم را در تنگنا گذاشته‌اند و سرانجام رویارویی بر سر آزادی و حقوق بشر است که به کار رژیم آخوندی پایان خواهد داد.

امروز فریادهای اعتراض و حق‌خواهی از چهار گوشه ایران به آسمان می‌رود. روزی نیست که کارگران، معلمان یا بازنشستگان و اقشار دیگر، برای اعتراض در مقابل مراکز حکومتی جمع نشوند. جوانان ایران با خشم و عصیان در خیابان‌ها به آخوندها حمله می‌کنند. زندانیان سیاسی که به دلایل پوچ و واهی دستگیر شده و دائماً تحت فشارها و آزارهای ضدانسانی هستند، جانانه مقاومت می‌کنند.

در یک سال اخیر در بیش از ۱۰۰ شهر ایران، سپرده‌گذاران مؤسسه‌های مالی، به تظاهرات و اجتماعات اعتراضی دست‌زده‌اند. چون سپرده‌هایشان را رژیم و عواملش غارت کرده‌اند. امروز در ایران حداقل یک چهارم جمعیت زندگی‌شان تحت تأثیر این غارتگری‌ها قرار گرفته است.

در کنار این فشارها، فقر و گرانی، همه را به‌ستوه آورده است. افزایش قیمت‌ها در ایران، در بالاترین سطح جهانی است. وضع بیکاران و بازنشستگان فاجعه‌بار است. در تمام جهان به‌ندرت جاهایی پیدا می‌شود که مثل ایران نرخ بیکاری به ۴۰ درصد رسیده باشد. زندگی ۷۰ درصد کسانی که صاحب شغل هستند، به‌زیر خط فقر سقوط کرده است. به‌وضعیت هموطنان زلزله‌زده ما در استان کرمانشاه نگاه کنید که یک ماه است در سرما و ناداری و بی‌خانمانی و ناامنی و ترس رها شده‌اند. راستی چرا؟ چه خبر است؟

مسأله این است که رژیم ولایت فقیه برای سرکوب مردم ایران، برای مخارج بی‌انتهای سپاه پاسداران و برای جنگ و ترور در منطقه، اقتصاد و معیشت و محیط زیست ایران را به نابودی کشانده است و این چیزی است که نارضایتی و اعتراض را در جامعه ایران روز به‌روز بیشتر و روی هم فشرده می‌کند و مثل آتش زیر خاکستر است. آخوندهای حاکم بالاترین تهدید علیه موجودیت رژیم را فوران قیام‌ها در ترکیب با مقاومت سازمان‌یافته مردم می‌دانند. حقیقت این است که مردم و مقاومت ایران یک تغییر اساسی می‌خواهند. و تا کنون برای آن ۱۲۰ هزار شهید داده‌اند. اما آنچه مانع خواست و اراده عمومی است، سپاه پاسداران، یعنی نیروی حافظ نظام ولایت فقیه است. کار این نیروی اهریمنی در داخل ایران چیست؟

کارش این است که برای حفظ یک موجودیت ضدتاریخی یعنی رژیم ولایت فقیه، سرکوب و اختناق و تبهکاری را علیه مردم ایران به‌کار می‌گیرد. کارش این است که با سازمان اطلاعاتش دائماً در حال کنترل جامعه و دسیسه‌چینی علیه مردم است.

کارش این است که با نیروی بسیج ضدمردمی شبکه‌های جاسوسی در سراسر جامعه برقرار کرده و در خیابان‌ها یا مراکز آموزشی و اداری و تولیدی هر روزه‌یی را برای فعالیت آزادانه مردم می‌بندد.

سپاه پاسداران نیروی اصلی کنترل‌کننده فضای مجازی و سایبری است، از گردش آزاد اطلاعات جلوگیری می‌کند و بسیاری جوانان را به این خاطر دستگیر و شکنجه می‌کند، در عین حال واردکننده مواد مخدر و توزیع آن در ایران و ترانزیت آن به اروپاست.

سوال بسیاری این است که چرا فروپاشی اقتصادی ایران سال‌های سال است که مهار نمی‌شود؟

زیرا به‌دستور خامنه‌ای، سپاه پاسداران بربخش عمده اقتصاد ایران چنگ انداخته و درآمد و ثروت ایران به‌جای سرمایه‌گذاری در کشور، توسط همین سپاه پاسداران به‌چاه ویل سرکوب و تروریسم ریخته می‌شود.

راستی چه طرفی جز سپاه پاسداران سپرده‌های میلیون‌ها ایرانی را در مؤسسات مالی و اعتباری به‌غارت برده است؟

با این همه، نقش ویژه این ارگان، مقابله با قیام‌های در کمین نشسته مردم ایران است. از جنگ هشت ساله با عراق در دهه ۶۰ تا جنگ با ملت سوریه و دخالت ویرانگر این رژیم در لبنان، عراق و یمن و افغانستان همه و همه برخاسته از بحران سرنگونی در داخل ایران است.

اگر ولایت فقیه در داخل ایران این همه منفور نبود، به سپاه پاسداران و نیروی قدس و یک دوجین گروه آدمکش در منطقه نیاز نداشت. و اگر ولایت فقیه بی‌ثبات نبود، خود را به صورت فرساینده‌یی در جنگ‌های منطقه گرفتار نمی‌کرد. خامنه‌ای و سران سپاه بارها گفته و تکرار کرده‌اند که اگر در سوریه و عراق نجنگند، باید در تهران و همدان و اصفهان خط ببندند. راستی آن‌ها از چه می‌ترسند که مجبور به خط‌بستن در شهرهای ایران هستند؟ بسیار روشن است، از رو رودررو شدن با مردم ایران. آنها با همه بگیر و ببند و اختناق که حاکم کرده‌اند، شب و روز از مردم ایران می‌ترسند. چنان که مسعود گفته است: «اگر روزی رژیم از صدور ارتجاع و تروریسم به خارج از ایران دست بردارد و به داخل مرزهای ایران محدود شود، ولایت فقیه .. روح خود را از دست می‌دهد و رژیم آخوندی از درون فرو می‌ریزد».

دو هفته پیش رئیس جمهور قبلی رژیم، احمدی‌نژاد، در نامه سرگشاده به خامنه‌ای نوشت: امروز شرایط کشور بسیار خطیر است. ... اعتماد عمومی به مدیران ارشد ... به صفر نزدیک شده و مسئولین سردرگم‌اند... علیرغم این که فروش نفت افزایش داشته وضعیت عمومی مردم و کشور به طور آشکار عقب‌گرد داشته است». به گفته او بحران‌ها هر لحظه ممکن است کشور را با شرایط غیرقابل پیش‌بینی مواجه سازد.

ترس رئیس جمهور سابق رژیم از وضعیت اضطراری و غیرقابل پیش‌بینی اقلیت حاکم، ترس همه رژیم است. اما چه عاملی اوضاع را برای آن‌ها اضطراری کرده و ترس‌شان از چیست؟

ترس آن‌ها از اراده مردم ایران برای تغییر است و این اراده در مقاومت سازمان‌یافته شکوفا شده است.

خواست ملت ایران برای تغییر، به این دلیل کابوس شبانه‌روزی رژیم است که یک آلترناتیو دمکراتیک برای آن وجود دارد. یک مقاومت مشروع با پایگاه اجتماعی و با سابقه طولانی که در برابر استبداد مذهبی پایداری می‌کند. یک مقاومت پایدار که خواست ملت ایران برای یک جمهوری بر اساس جدایی دین و دولت را نمایندگی می‌کند، مقاومتی که سمت‌دهنده و بیان‌کننده جنبش آزادی به سوی برپایی جامعه‌یی بر اساس برابری زن و مرد و احترام به حقوق بشر است. مقاومتی که مبارزه‌اش در راستای ریشه‌کنی فقر و تبعیض و دستیابی به یک پیشرفت چشمگیر اقتصادی و اجتماعی است.

به‌همین دلیل است که جنگ روانی و کارزار دروغ و افترا علیه مجاهدین، کار همیشگی و بی‌وقفه این رژیم است. هشت سال پیش در همین روزها ضرب‌الاجل‌های دولت دست‌نشانده آخوندها در عراق علیه اشرفی‌ها و حتی فرستادن اتوبوس به داخل شهر اشرف، برای بردن مجاهدین در کار بود. پس از آن آخوندها به‌تناوب یا به‌لیبرتی موشک می‌زدند یا اکیپ‌های وزارت اطلاعات را برای محاصره و جنگ روانی به کنار حصارهای لیبرتی می‌فرستادند. حالا همان دسیسه‌ها و

دروغ پراکنی‌ها باز هم علیه مجاهدین مستقر در آلبانی ادامه دارد. چرا که آخوندها و نیروی قدس و وزارت اطلاعات‌شان از شکوفایی و انسجام و پیشرفت مجاهدین، به‌ویژه در دوره پس از انتقال از عراق بی‌اندازه واهمه دارند و تحت فشارند.

از یاد نمی‌بریم که چهار سال پیش، در روز ۲۶ آذر، اعتصاب غذای ۱۰۸ روزه مجاهدان لیبرتی و یاران مقاومت در ژنو و برلین و اتاوا و لندن و ملبورن و واشینگتن و استکهلم و رم با موفقیت پایان یافت. بسیاری از شما آن روزهای سخت را با سرفرازی و پایداری طاقت فرسا طی کردید.

اعتصابی که در اعتراض به قتل عام اشرفی‌ها شروع شده بود و با حکم دادگاه اسپانیا علیه یکی از آمران همان جنایت ختم شد. و باز هم پایداری و عزم استوار اعضای این مقاومت را نشان داد.

بله، نارضایتی و اعتراض‌های روزانه در ایران، به این دلیل برای آخوندها خطرناک است که می‌بینند یک مقاومت و آلترناتیو آماده و محکم و مصمم در کار است که می‌تواند آینده را به سود آزادی ایران شکل بدهد. آن‌ها به این دلیل به شدت می‌ترسند که می‌بینند مردم ایران به‌چنین آینده‌یی چشم دارند آینده‌ای روشن و پر امید و به‌چنین مقاومت و آلترناتیوی پشتگرم‌اند.

دوستان گرامی،

جامعه بین‌المللی امروز، هر چند با تأخیر طولانی، به خطرات سپاه پاسداران اذعان می‌کند؛ این موضعگیری‌ها البته گام مثبتی است اما نسبت به لطمات فزاینده این نیروی مخرب، کافی نیست. به‌علاوه به‌خاطر مماشات طولانی دولت‌های غرب با این رژیم، ملت‌های منطقه بهای سنگینی پرداخته‌اند.

همین سیاست مماشات بود که برای گسترش شرارت‌های سپاه پاسداران راه باز کرد. رژیم آخوندی با سرکوب و کشتار مردم عراق و سوریه باعث رشد داعش شد. سپس به‌بهانه مقابله با داعش، دولت‌های غربی را به همکاری و همسویی با خود برانگیخت و از این فرجه برای گسترش جنایت و تروریسم سپاه پاسداران استفاده کرد. هم‌چنان که اخیراً نماینده آمریکا در سازمان ملل گفت رژیم ایران قطعنامه‌های شورای امنیت را نقض می‌کند و تهدیدی برای صلح و امنیت همه جهان است.

دولت‌های غرب باید صدمات عظیم اشتباه سال‌های گذشته را جبران کنند. همان چنان که مقابله با داعش ضروری بود، حالا مقابله با بربریتی صدمه‌بار خطرناک‌تر از داعش، یعنی نظام ولایت فقیه و سپاه پاسداران و گروه‌های شبه‌نظامی مزدورش، به مراتب ضروری‌تر است.

سیاست دولت‌های غرب نسبت به رژیم ولایت فقیه، آکنده از تناقض است و در همین شکاف‌هاست که رژیم پناه می‌گیرد.

ده روز پیش من در کنفرانسی در پارلمان اروپا به‌طور خاص، در مورد سیاست اتحادیه اروپا نسبت به استبداد مذهبی، تأکید کردم که تا زمانی که اتحادیه اروپا در این توهّم است که با امتیاز دادن به این رژیم، می‌تواند خطرات آن را مهار کند، در عمل به این معنی است که تمساح را تغذیه می‌کند.

متأسفانه اتحادیه اروپا ارزش‌های خود را به‌خاطر ارتقای تجارت با ملاها رها کرده و چشم خود را بر روی نقض فاحش حقوق بشر در ایران بسته است.

حرف ما به اتحادیه اروپا این است که سیاستی را که به‌نیاز رژیم برای بی‌ثبات‌سازی منطقه و سرکوب مردم ایران پاسخ می‌دهد، کنار بگذارید.

حرف ما این است که نگذارید این رژیم بیش از این، از همراهی دیپلماتیک و تجاری اروپا به‌سود سیاست خطرناک خود بهره‌برداری کند. به‌جای آن، سیاست خود را در قبال این رژیم، یک‌سویه کنید و قاطعیت در پیش بگیرید.

دوستان عزیز،

آنچه امروز از جامعه بین‌المللی انتظار می‌رود فراتر از موضعگیری صرف سیاسی است. رژیم در حال حاضر به‌خاطر سیاست مخرب‌اش در ایران و منطقه، بهایی نمی‌پردازد. آخوندها بیش از هر زمان دیگر شکننده‌اند.

بر این اساس از جانب مردم و مقاومت ایران همه دولت‌های غرب را فرا می‌خوانم که:

- سپاه پاسداران را به‌عنوان یک نیروی تروریستی اعلام کنید. و از دسترسی این نیروی تبهکار و تمامیت رژیم به نظام بانکی جهانی جلوگیری کنید

- سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان‌اش را از سوریه و عراق و دیگر کشورهای منطقه اخراج و از انتقال نیرو و سلاح توسط آن‌ها به این کشورها جلوگیری کنید.

- مزدوران نیروی تروریستی قدس و وزارت اطلاعات را از کشورهای اروپا و آمریکا اخراج کنید.

- روابط دیپلماتیک و تجاری خود را با استبداد مذهبی به‌توقف شکنجه و اعدام در ایران مشروط سازید.

- در مورد جنایات رژیم ولایت فقیه، به ویژه قتل عام ۳۰ هزار زندانی سیاسی در سال ۱۳۶۷ از شورای امنیت ملل متحد بخواهید با تشکیل یک دادگاه ویژه یا ارجاع موضوع به دادگاه جنایی بین‌المللی ترتیبات محاکمه سران این رژیم را فراهم کند.

- از پرداخت مابه‌ازای اموال، تجهیزات و تسلیحات و قرارگاه‌های سازمان مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران توسط

دولت عراق حمایت کنید. و بالاخره به رسمیت شناختن شورای ملی مقاومت ایران بعنوان جایگزین دموکراتیک

دیکتاتوری مذهبی و تروریستی، لازمه پایان دادن و جبران سیاست فاجعه‌بار مداخلات آمریکا و اروپا در سالیان گذشته است.

هم‌میهنان عزیز،

سرنگونی این رژیم حتمی و در دسترس است. و این تنها راه حل همه مشکلات و معضلات ایران، منطقه و جهان است. مردم ایران و پیشتازان آنها به‌خصوص جوانان دلیر و هزار اشرف یعنی هزار کانون شورشی در سراسر ایران این هدف مهم را محقق می‌کنند و حرف آخر را می‌زنند حرف آخر آزادی، دموکراسی و برابری است.

سلام بر آزادی،

سلام بر مردم ایران

درود بر همه شما.